

سوال: چگونه با همسایگان مسلمانمان وارد گفتگو شویم؟

جواب: 7 سپتامبر ۲۰۱۳: امروز پاپ فرانسیس همه مسیحیان و حتی همه انسانها، اعم از معتقد و یا غیرمذهبی، را به برگزاری یک روز دعا و روزه برای صلح در سوریه و خاورمیانه فرا می خواند. در بسیاری کشورها، برخی جوامع مسلمان و حتی هندو متعهد به شرکت در این روز جهانی دعا شده اند. اینجاست که می توان دو پرسش را برای ما که در تماس با مسلمانان هستیم مطرح کرد: چرا این طور که به نظر می آید پاپ با این دعوت در سیاست بین المللی مداخله می کند؟ یک مسیحی نسبت به جامعه مسلمان چگونه باید رفتار کند؟

پاسخی بهتر از متون زیر وجود ندارد: این ها رهنمودها و دعوت هایی به احترام متقابل و گفتگو میان مسیحیان و مسلمانان هستند. این متون بوسیله بالاترین مقام های کلیسا منتشر شده اند: مجمع اسقفان و همچنین چندین پاپ. سپس دو شهادت از جوامع دینی در حال گفتگو، در ترکیه و در لبنان، را خواهیم خواند. درباره سیاست هم باید گفت که دعا برای عدالت و صلح در جهان و یا برای مقام های سیاسی کشورهایمان به معنی دخالت در سیاست نیست، همان گونه که در هر آیین نیایش به همراه همه کلیسا چنین می کنیم...

گفتگوی مسلمانان و مسیحیان

متون مرجع

«کلیسای او»، نامه رسولی پاپ پل ششم، ۱۹۶۴

۶۷- کلیسا باید با جهانی که در آن زیست می کند وارد گفتگو شود.

کلیسا بیشتر سخن می گوید؛ کلیسا پیام می دهد؛ کلیسا به گفتگو می پردازد.

۷۲- این است، برادران ارجمند من، مبداء متعالی گفتگو، که آن را می توان در خود نیت خدا یافت. [...] مکاشفه، که آن رابطه فرا طبیعی است که خدا خود مبتکر برقراری آن با بشریت بود، می تواند همچون گفتگویی که در آن کلمه

خدا با تن گیری و سپس توسط انجیل سخن می گوید معرفی شود. [...] تاریخ نجات این گفتگوی طولانی و متنوع را با جزئیات بازگو می کند که از خدا نشأت گرفته و مکالمه ای متفاوت و شگفت انگیز را برقرار می کند [...] .

این گفتگو کامل تر و بااعتمادتر می شود؛ که فرزند به آن دعوت شده و عارف در آن به نفس نفس می افتد [...] .

۷۴- گفتگوی نجات با اراده آزاد توسط ابتکار الهی آغاز شد : «او [خدا] است که نخست ما را محبت کرد» (۱- یو ۴: ۱۹)؛ پس بر ماست که به نوبه خود برای گسترش این گفتگو به انسانها ابتکار به خرج دهیم، بدون این که منتظر این باشیم که به آن دعوت شویم.

«نور امت ها» شماره ۱۶، مجمع دوم واتیکان، ۱۹۶۴

طرح نجات همچنين شامل کسانی می شود که آفریدگار را می پذیرند، در اولین جایگاه مسلمانان که به داشتن ایمان ابراهیم معترفند و به همراه ما خدای یگانه، بخشنده و داور آینده آدمیان در روز آخر را می پرستند.

«در روزگار ما» شماره ۳، مجمع دوم واتیکان، ۱۹۶۵

کلیسا همچنين با احترام به مسلمانان می نگرد، که خدای یگانه، زنده و جاودانی، بخشنده و قادر مطلق، آفریننده آسمان و زمین، که با آدمیان سخن گفت را می پرستند. آنها می کوشند که با همه وجود مطیع فرمان های هر چند پنهان خدا باشند، همان طور که ابراهیم، که ایمان اسلامی با خوشحالی خود را به او منتسب می کند، مطیع خدا شد. هر چند که مسلمانان، عیسی را به عنوان خدا نمی پذیرند، او را همچون پیامبر بزرگ می دارند؛ آنها مادر باکره اش مریم را تکریم کرده، و حتی گاهی پارسایانه از او طلب یاری می کنند. به علاوه، آنها منتظر روز داوری هستند، که در آن خدا پس از برخیزاندن همه آدمیان از مردگان به آنها پاداش و جزا می دهد. آنان همچنين به زندگی اخلاقی ارزش اهمیت می دهند و آیینی دینی را برای خدا به جا می آورند، بویژه بوسیله دعا، صدقه و روزه.

اگرچه در طول سده ها اختلافات و ضدیت های بسیاری میان مسیحیان و مسلمانان بروز کرده اند، مجمع مقدس اسقفان همگان را به فراموشیه گذشته و تلاش صادقانه برای درک متقابل تشویق می کند، و نیز این که همراه با یکدیگر از عدالت اجتماعی، ارزش های اخلاقی، صلح و آزادی برای همه انسان ها محافظت و آن ها را ارتقاء دهند.»

سخنرانی پاپ ژان پل دوم برای جوانان مغربی، دارالبیضاء، ۱۹ آگوست ۱۹۸۵ (چکیده)

۱- من اغلب با جوانان، عموماً کاتولیک، دیدار می کنم. این نخستین بار است که خود را در میان جوانان مسلمان می یابم. ما مسیحیان و مسلمانان، چه به عنوان افراد معتقد و چه به عنوان انسان، چیزهای مشترک بسیاری داریم. ما در یک جهان زیست می کنیم که نشانه های امیدبخش زیادی در خود دارد، اما همچنین نشانه های گوناگونی که اضطراب آورند. ابراهیم برای ما الگویی واحد از ایمان به خدا، اطاعت از اراده اش و اعتماد به نیکی اش است. ما به یک خدا ایمان داریم، خدای یکتا، خدای زنده، خدایی که جهان ها را آفرید و آفریدگانش را به سوی کمال هدایت می کند. [...]

۱۰- صداقت ایجاب میکند که تفاوت هایمان را پذیرفته و به آنها احترام بگذاریم. مسلماً اساسی ترین آنها نگاهی است که به شخصیت و کار عیسی ناصری داریم. شما می دانید که برای مسیحیان این عیسی آنها را به شناختی صمیمانه از راز خدا و مشارکتی فرزندوار در عطایایش وارد می کند، آنقدر که آنها او را خداوند و منجی دانسته و اعلام می کنند.

اینها تفاوت های مهمی هستند، که ما می توانیم آنها را با فروتنی و احترام، در رواداری متقابل بپذیریم؛ در اینجا رازی هست که من اطمینان دارم که خدا روزی آن را برای ما خواهد گشود.

ما مسیحیان و مسلمانان، یکدیگر را به طور کلی بد فهمیده، و گاهی در گذشته رو در روی یکدیگر قرار گرفته ایم و حتی با جدال و جنگ یکدیگر را فرسوده ایم. من باور دارم که خدا امروز ما را دعوت می کند که عادت های قدیمی مان را عوض کنیم. ما می بایست به یکدیگر احترام بگذاریم، و همچنین یکدیگر را به نیکوکاری در طریق خدا تشویق کنیم.

سخنرانی پاپ بندیکت شانزدهم برای نمایندگان جوامع مسلمان، ۲۰ آگوست ۲۰۰۵

[...] گفتگوی بین ادیان و بین فرهنگ ها میان مسیحیان و مسلمانان نمی تواند به یک انتخاب گذرا تقلیل یابد. در واقع آن یک ضرورت حیاتی است که آینده ما تا حد زیادی بسته به آن است.

سخنرانی پاپ بندیکت شانزدهم برای رییس امور دینی، آنکارا، ۲۸ نوامبر ۲۰۰۶

همچون نمونه ای از احترام برادرانه که مسیحیان و مسلمانان با آن می توانند با یکدیگر کار کنند، مایلم سخنان پاپ گریگوری هفتم در سال ۱۰۷۶ م به شاهزاده ای مسلمان از شمال آفریقا که با نیکویی بسیار نسبت به مسیحیان تحت قضاوتش عمل کرده بود را بازگویم. پاپ گریگوری هفتم از نیکوکاری ویژه ای سخن می گفت که مسیحیان و مسلمانان وظیفه دارند تا نسبت به یکدیگر انجام دهند، زیرا «ما به یک خدا ایمان داشته و اعتراف می کنیم، اگرچه به شیوه های متفاوت، هر روزه او را به عنوان آفریدگار سده ها و فرمانروای عالم می ستاییم و می پرستیم.»

یکی از عناوین اسقف رم، پونتیف است (از زبان لاتین و مرکب از دو جزء پونت به معنی 'پل' و ایف به معنی 'سازنده' تشکیل شده است). این یعنی کسی که بین خدا و انسان ها پل میسازد.

من به راستی مشتاق آنم

که گفتگو در میان ما

به ساختن پل هایی

میان همه انسان ها کمک کند،

آنقدر که هر یک بتواند در دیگری

نه یک دشمن، نه یک رقیب،

بلکه برادری را برای خوشآمدگویی و در آغوش گرفتن ببیند [...] .

بنابراین مهم است که گفتگو میان ادیان مختلف تقویت شود،

من بویژه به گفتگو با اسلام فکر می کنم [...] .»

پاپ فرانسیس

سخنرانی در جمع سفرای کشورها در واتیکان، ۲۲ مارس ۲۰۱۳

برادر گوئنوله ژوسه، از انجمن برادران حضرت فرانسیس

نگاهی از ترکیه

اگرچه در پایان امپراتوری عثمانی (۱۹۱۸)، ۳۰٪ جمعیت ترکیه امروزی را مسیحیان تشکیل میدادند، اما سیاست ملی گرایانه و روابط خصمانه با یونان، سبب مرگ و یا فرار آن ها از ترکیه شد و امروزه شمار ناچیزی از مسیحیان در این کشور باقی ماندهاند (۰/۱٪). با وجود کشته شدن بسیاری از روحانیان کاتولیک و ارتدوکس بین سال های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۷، که به یک اندازه به دست ملی گرایان و اسلام گرایان انجام شد، ما در وضعیت مومنان تحت آزار نیستیم، هر چند که به آزادی های بیشتر نیاز داریم.

اقداماتی برای همزیستی بهتر

برای یک همزیستی بهتر، دعوت هایی برای صرف شام، نمایش ها، گردهمایی ها و گفتگوها در سطوح سیاسی یا دانشگاهی و یا بوسیله جنبش هایی همچون جنبش فتح الله گولن، ترتیب داده میشوند. به مناسبت جشن های مسیحی، برخی شهرداران در مناطق خود برای اهدای گل بمناسبت عید میلاد مسیح و یا تخم مرغ برای عید رستاخیز به بازدید کلیساها می آیند.

در انتاکیه، گروه همسرایان تمدن ها از سال ۲۰۰۷ آغاز به کار کرده و در سال ۲۰۱۲ در فهرست نامزدهای جایزه صلح نوبل قرار داشت. سرایندگان که در میانشان امام مسجد، خاخم، و ابونا (کشیش) دیده میشوند، با یکدیگر سرودهای مذهب یکدیگر را میسرایند.

در طرف کلیسای لاتینی، میبایست از تعهد انجمن هایی یاد کرد که علاوه بر تلاش های دیگر، برای یک همایش سالانه اسلام و مسیحیت کار می کنند. در سال ۲۰۰۳ یک گروه برادری فرانسوی برای سرزنده تر کردن انجمن و با اولویت گفتگو، تاسیس شد.

آگاه سازی مسافران

جدا از خدماتمان در خارج، ما هر ساله دو هفته آموزشی رایگان را به برادران و خواهرانمان از سراسر دنیا عرضه میکنیم، که میتوانند به افرادی از فرقه ها و ادیان گوناگون گوش داده و از اماکن مذهبی هر یک از آنان دیدن کنند.

این برنامه در ۲۷ اکتبر با یک شب زنده داری مشترک در دعا در کلیسای لویی مقدس میان گروهی از درویشان طریقت مولویه و ما و سپس با صرف یک وعده غذای برادرانه پایان می یابد.

شیخ این طریقت و من، برادران روحانی یکدیگر شده ایم. یکی از اولویت های ما آگاه سازی زائران یا مسافران است، مانند گروهی از کشیشان کلیسای انگلستان به همراه اسقف هایشان و یا گروهی از ژاپنی های جوان از مذاهب مختلف که در طول یک برنامه آموزشی یک روزه که به خواست آنها و راهنماییشان (که عضو گروه فرانسوی هیات های تبلیغ مسیحیت در جهان بود) برگزار شد، برای دعا به مسجد آمدند.

همچنین ما هر ساله با بوداییان، مسیحیان، مسلمانان، ندانم گرایان (کسانی که از حقیقت هیچ یک از ادیان اطمینان ندارند)، و خدا ناپاورانی از سنگاپور سهیم میشویم، که بوسیله یکی از استادانشان، که صوفی است و از دوستان ما شده، تعلیم می بینند.

پدر فادی داوو،

رییس بنیاد بین مذاهب به نام ادیان

و مسئول روابط بین مذاهب در دفتر پاتریارک مارونی لبنان

نگاهی از لبنان

در این زمان که خشونت و بی ثباتی بیش از هر چیز به چشم می آیند، سخن گفتن از گفتگوی میان ادیان در خاورمیانه به یک اندازه هم دشوار و هم مهم است. در واقع در سوریه هر روزه ده ها نفر کشته میشوند. مسیحیان نیز مانند دیگران از این حوادث در امان نیستند.

در چنین شرایطی، گفتگو از اولویت افتاده و وضعیت ما را به انواع دیگری از اقدامات فرا میخواند که آسان تر هم نیستند: همبستگی با آوارگان، دعای درون گروهی و بین ادیان برای صلح، تعمق درباره مشروعیت خشونت (جنگ مُوجَّه / جهاد) و بازی دادن روحانیان در ستیزها، جستجوی پشتیبانی جهانی، چه برای کمک به پناه جویان و چه برای فشار سیاسی برای پایان دادن به ستیز...

در همه این اقدامات، ما با هم هستیم، مردان و زنان با نیت نیک و ایمانی غرق در امید انجیلی یا قرآنی، به جای آن که نخست به تفاوت ها بنگریم، پیش از هر چیز بر اتحاد نیروهایمان تمرکز می کنیم که میتواند راه حل ها را نزدیک تر یا تصویرپذیرتر کند.

زمان عمل

اگر این همبستگی های بین ادیان امروزه تقریباً همه جا در سوریه و لبنان رخ مینمایند، به لطف دو منبع اساسی است. از یک سو، تجربه پیشین گفتگو با همزیستی چند صد ساله - که گفتگوی زندگی نامیده میشود- که روح ها و دل ها

را آماده کرد تا با یکدیگر با چالش های زندگی و مصیبت خشونت و مرگ روبرو شوند. این گونه است که مسیحیان به همراه با مسلمانان نیکخواه میدانند که چگونه «همراه با هم در پیشگاه خدا» (عنوان نامه شبانی پاتریارک های کاتولیک شرق، ۱۹۹۴) رفتار کنند، تا مسئولیت برادری خود نسبت به او که نیازمند است و مراقبت از ارزش های ملکوت عدالت و صلح را برعهده گیرند.

از سوی دیگر، رد تعصب و مفاهیم تحریف شده از مذهب، مومنان روشن بین همه ادیان را متحد میسازد تا ویرانگری های قدرتی که ادعای تقدس میکنند را محدود کند.

اکنون بیش از آن که زمان سخن باشد زمان عمل است. اما مطمئن هستیم که هنگامی که صلح بار دیگر به سوریه بازگشت، سوری ها در برابر بی رحمی جنگ، به شهادت فراوان و گوناگون مومنان همه ادیان را خواهند شنید که برای تسکین درد یک مادر و یا ترس یک کودک جان های خود را به مخاطره انداختند.

این شهادت ها بهترین پادزهر در برابر تعصب و یا ناامیدی هستند. بدین ترتیب و به لطف این تجربه ها گفتگوی بین ادیان، رشدی نوین خواهد یافت. اما تا آن زمان، به تلاش نیاز است تا اعتماد به گفتگو و کارآمدی آن محفوظ بماند. باید راههایی یافت، و یا آنها را ابداع کرد، تا به مردم گفته شود که حتی پس از جنگی با ابعاد داخلی، مذهبی و یا میان قومی، گفتگو هنوز ممکن و ضروری تر از هر زمان دیگر باقی میماند. همچنین شایسته است که به آرزوهای محال و یا تعمق های انتزاعی گریز نزنیم. در دوران پس از جنگ، گفتگو باعث همبستگی در رنج و درد، برادری روحانی بر ضد تعصب و پیکار برای کرامت می شود. ما هر روزه خود را برای آن آماده کرده و نیروهایمان را گرد می آوریم، زیرا مصیبت بزرگ بوده و به نظر می آید که امکان فراگیرتر شدن آن نیز وجود داشته باشد.

فادی داوواز سوی بنیاد ادیان جایزه سال ۲۰۱۲ همبستگی روحانی را اهدا می کند.